

بررسی کارایی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد از دیدگاه خوانندگان (مطالعه موردی: ترجمه‌های رمان هزار خورشید تابان)

امید اکبری (استادیار زبان انگلیسی دانشگاه بین‌المللی امام رضا)

نجمه محمودی (دانشجوی کارشناسی‌ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، نویسنده مسئول)

n.mahmoodi66@yahoo.com

گوهرشاد گوگلانی (دانشجوی کارشناسی‌ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان)

چکیده

از گذشته، درباره ساختار و معنا اختلاف نظر میان مترجمان و صاحب‌نظران ترجمه بوده است. عده‌ای معتقد هستند ابتدا، سبک و سپس، مفهوم نویسنده در درجه اول اهمیت قرار دارند؛ بنابراین، ترجمه ساختار را مقدم بر مفهوم می‌دانند و روش ترجمه تحت‌اللفظی را انتخاب می‌کنند. برخی نیز انتقال مفهوم را در اولویت قرار می‌دهند و به سبک اهمیت نمی‌دهند؛ در نتیجه، ترجمه آزاد را برمی‌گزینند. این پژوهش تلاشی است برای بررسی دو ترجمه، از دیدگاه خوانندگان که برای ارزیابی کارآمدی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد انجام شده است. متن مورد ارزیابی در این تحقیق، بخشی از رمان *A Thousand Splendid Suns* اثر خالد حسینی است که به همراه دو ترجمه از مهدی غبرایی و نفیسه معتکف ارائه شده است. مقایسه از طریق پرسش‌نامه و گروهی شامل سی نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه بیرجند انجام شد. پس از بررسی و تحلیل داده‌ها، نتایج حاصل نشان داد که با وجود سوگیری‌های فراوان به ترجمه تحت‌اللفظی به‌عنوان روشی نامناسب برای ترجمه، از دید خوانندگان، این روش توانست علاوه بر حفظ سبک نویسنده، مفهوم را نیز به خوبی انتقال دهد؛ البته رساندن مفهوم همیشه در اولویت است؛ اما کاربرد روشی که بتواند سبک و نیز مفهوم را انتقال دهد، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه آزاد، ارزیابی ترجمه، ساختار، معنا.

۱. مقدمه

ارائه تعریفی دقیق برای ترجمه امکان‌پذیر نیست؛ زیرا، هر مترجمی براساس نگاه خود از متن تعریف خاصی از ترجمه دارد که شاید به‌نظر مترجم دیگر صحیح نباشد. به‌عقیده نایدا و

تا بر (۱۹۶۹)، ترجمه عبارت است از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه؛ ابتدا، از جهت مفهوم و سپس، از لحاظ سبک. نیومارک (۱۹۸۱) نیز ترجمه را فن و حرفه‌ای می‌داند که طی آن سعی می‌شود یک پیام نوشتاری در زبانی با همان پیام در زبان دیگر جایگزین گردد. با توجه به تعاریف ارائه‌شده، پرسش مهمی مطرح می‌شود به این صورت که برای انتقال پیام متن اصلی به ترجمه چه روشی مناسب است؟

هرچند دسته‌بندی‌های متعددی از روش‌های مختلف ترجمه ارائه شده است، اما در نگاهی کلی، بیشتر این تقسیم‌بندی‌ها حول محور دو روش کلی در فرایند ترجمه هستند: ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه آزاد؛ البته این تقسیم‌بندی با عناوین دیگری نیز به کار رفته است. کتفورد (۱۹۶۵) دو نوع ترجمه وابسته و آزاد را معرفی می‌کند. نیومارک (۱۹۸۱) اصطلاحات ترجمه معنایی و انتقالی را به کار می‌برد و نایدا (۱۹۶۴) از دو نوع ترجمه صوری و پویا یاد می‌کند. تفاوت دو نوع ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد ناشی از اختلاف در مورد انتقال ساختار و مفهوم است. این اختلاف سبب ایجاد دوراهی برای مترجمان شده است که پیشینه آن به سده‌های پیش از میلاد بازمی‌گردد. این مسئله در ترجمه متون ادبی پررنگ‌تر می‌شود؛ زیرا، در ادبیات به دلیل داشتن زبان خاص و مفاهیم عمیق، گزینش دقیق‌تری از میان دو روش ذکرشده نیاز است. از آنجایی که ادبیات با روح و زندگی مردم در ارتباط است، بایستی روشی را به کار برد که بیشترین تأثیر را در خواننده ایجاد کند.

در این مقاله سعی بر آن است تا کارایی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد در ترجمه متون ادبی مقایسه شود. این ارزیابی از دیدگاه خوانندگان ترجمه انجام می‌شود. متنی که مقایسه براساس آن انجام می‌شود، بخشی از رمان *A Thousand Splendid Suns* اثر خالد حسینی، نویسنده آمریکایی افغانی تبار است. این کتاب در سال ۲۰۰۷ منتشر گردید و به چندین زبان ترجمه شده است. در ایران نیز مترجمان زیادی این اثر را ترجمه کرده‌اند. این رمان زندگی سخت و مظلومانه زنان افغان را به تصویر می‌کشد که از زبان دو زن به نام مریم و لیلا روایت می‌شود. علاوه بر اطلاع از داستان اصلی، مخاطبان از شرح رویدادهای سیاسی و اجتماعی مهم افغانستان طی سه دهه اخیر نیز مطلع می‌شوند.

در ایران نیز از این کتاب استقبال خوبی شد و مترجمان زیادی آن را ترجمه کرده‌اند. این کتاب پس از هری پاتر، رکورددار ترجمه‌های هم‌زمان در ایران بوده است. بیتا کاظمی اولین ترجمه از کتاب را ارائه داده است. مهدی غبرایی، نفیسه معتکف، پریسا گنجی، جواد شیخ‌الاسلامی و ... دیگر مترجمان این اثر هستند. ترجمه‌هایی که در این تحقیق به مقایسه آن‌ها پرداخته می‌شود، متعلق به مهدی غبرایی و نفیسه معتکف هستند که یکی ترجمه تحت‌اللفظی و دیگری ترجمه آزاد است.

۲. روش‌های ترجمه

از آغاز اولین فعالیت‌های ترجمه، اختلافاتی درباره اولویت‌بندی در انتقال ساختار و معنا وجود داشته است. این اختلاف‌نظر از تعاریفی که نظریه‌پردازان ترجمه دارند، پیدا است. نایدا (۱۹۶۴) بزرگ‌ترین مترجم و کارشناس کتاب مقدس، ترجمه را نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، ابتدا از لحاظ مفهوم و در مرتبه بعد، از حیث سبک می‌داند. از این تعریف مشخص است که به دلیل اهمیت انتقال مفهوم، ترجمه آزاد ارجحیت دارد؛ البته گنتزler (۱۹۹۳)، به نقل از صلح‌جو، (۱۳۷۷، ص. ۱۴) برخلاف این تعریف را بیان کرده است. او معتقد است ترجمه صوری یا همان تحت‌اللفظی می‌تواند پیام اصلی یک متن را با تمام اجزایش منتقل کند. برای آشنایی بیشتر با بحث حاضر، ذکر تاریخچه‌ای مختصر از سیر ترجمه در گذشته تا امروز ضروری است. اولین ترجمه‌ها در حوزه مذهبی انجام می‌شد که اغلب نیز به صورت شفاهی و در جلساتی بود که در میادین شهرها برگزار می‌گردید. صفارزاده (۱۳۸۴، ص. ۱۴) اشاره می‌کند در آن دوران، روحانیان برای تفهیم کلام خدا در میدان‌های شهر گرد می‌آمدند و بخش‌های مبهم کتاب مقدس را تفسیر می‌کردند. در این شرایط، فرایند انتقال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا، کلام خدا می‌بایست از هرگونه تحریفی مصون می‌بود و به‌طور کامل و مشابه با متن اصلی منتقل می‌شد؛ از این رو، ترجمه لفظ‌به‌لفظ مطمئن‌ترین راه برای جلوگیری از خطا در ترجمه محسوب می‌شد. در همان دوران نیز افرادی بودند که برخلاف این سنت عمل می‌کردند. سیسرو^۱ (۴۶ قبل از میلاد) خطیب و نویسنده معروف رومی، یکی از مترجمانی است که خود را از قید ساختار

رهانید و به جای مترجم^۱ از نام خطیب یا سخنران^۲ برای خود استفاده کرد. او مترجم را کسی می‌دانست که فقط متنی را از لفظی به لفظ زبان خودش برگرداند؛ اما سخنران، اصل کلام را با ساختاری ارائه می‌کند که مطابق با ساختارهای زبانی خواننده باشد (ماندی، ۲۰۰۱، ص. ۱۹).

سینت جروم^۳ (۳۹۵ میلادی) کشیش رومی، که به دلیل ترجمه کتاب مقدس از عبری به لاتین شهرت داشت، نیز راه سیسرو را در پیش گرفت. او در ترجمه هرگاه نمی‌توانست نحو^۴ را به طور کامل ترجمه کند، دست به دامان ترجمه مفهومی می‌شد؛ البته ترجمه غیرتحت‌اللفظی جروم با انتقاد شدید مترجمان و خوانندگان آن عصر روبه‌رو شد (ماندی، ۲۰۰۱، ص. ۲۰).

علاوه بر مغرب‌زمین، این تقابل دیدگاه در شرق و در صدر اسلام نیز مطرح بوده است. همان‌طور که بیکر (۱۹۹۷، ص. ۳۲۱-۳۲۰) اشاره می‌کند، در برگردان متون یونانی به عربی دو روش وجود دارد. اولین روش توسط دو مترجم دوره عباسیان، یوحنا بن بطریق و ابن ناعمه حمصی به کار رفته که کاملاً تحت‌اللفظی است. روش دیگر؛ یعنی ترجمه آزاد نیز در ترجمه‌های حنین بن اسحاق و جواهری استفاده شده است. آن‌ها به دنبال خلق یک اثر روان و فصیح که پیام متن اصلی را به خوبی انتقال دهد، روش مفهومی و آزاد را برگزیدند. از دیدگاه صلح‌جو (۱۳۷۷، ص. ۸۳)، خواندن ترجمه‌های نوع اول بسیار دشوارتر از نوع دوم است. افزون‌براین، روش اول تعداد زیادی معادل، تشبیه، تعبیر و به‌طور کلی، دستگاه‌های بیانی یونانی را وارد زبان عربی کرد.

اتین دوله^۵ روشنفکر معروف اومانیستی و مترجم زبردست یونانی که در قرن شانزدهم میلادی در فرانسه می‌زیست، معتقد به اصولی در ترجمه بود که وظایف مترجم را مشخص می‌کردند که عبارت‌اند از:

۱. ادراک کامل مترجم از محتوای متن و هدف نویسنده؛
۲. اطلاعات و دانش کافی مترجم از زبان متن اصلی و زبان ترجمه؛
۳. پرهیز از ترجمه لفظ‌به‌لفظ در صورت آسیب به زیبایی و مفهوم متن اصلی؛

1 . interpreter
 2 . orator
 3 . ST Jerome
 4 . syntax
 5. Etienne Dolet

۴. استفاده از اشکال متداول محاوره‌ای؛

۵. دقت در انتخاب و ترتیب مناسب واژگان برای تأثیرگذاری همه‌جانبه و تولید لحن مناسب متن اصلی در ترجمه.

دوله به اتهام ترجمه نادرست یکی از مباحثات افلاطون که اعتقادداشتن به روح را القاء می‌کرد، از سوی کلیسا محکوم گردید و به جرم لامذهبی با آثارش سوزانده شد (صفارزاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۶). به‌گفته مانندی (۲۰۰۴، ص. ۲۳-۲۲)، یکی دیگر از مخالفان ترجمه تحت‌اللفظی کشیش معروف آلمانی، مارتین لوتر، در قرن شانزدهم است که علیه ضوابط خشک کلیسا قیام کرد و روش سنت‌جروم را دنبال کرد. لوتر معتقد بود ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند مفهوم را انتقال دهد و سبب می‌شود تا خوانندگان فهم ناقصی از مطلب داشته باشند. اگرچه او چیز جدیدی ارائه نکرد و پیرو پیشینیان خود در ترجمه بود، اما توجه خاصش به زبان عامه مردم و جانبداری از زبان و فرهنگ مقصد در ترجمه سبب پیشرفت و تقویت زبان آلمانی شد.

پس از قرون وسطی و آغاز دوره رنسانس که مذهب تاحدودزیادی رنگ باخت و عرصه به ترجمه متون مقدس تنگ شد، نوبت به نقش‌آفرینی مترجمان در زمینه‌های دیگر از جمله ادبیات رسید. در ترجمه ادبیات، مسئله ترجمه کمی متفاوت است. زبان ادبی به‌لحاظ فرایند سخن تفاوتی با زبان غیرادبی ندارد. ویدوسون (۱۹۷۵، به‌نقل از صفارزاده، ۱۳۸۴، صص. ۱۶-۱۷) درباره ویژگی‌های متنی زبان ادبی در انگلیسی در چارچوب *انحرافات دستوری* بحث می‌کند. آنچه متون ادبی را از متون غیرادبی جدا می‌سازد، استفاده از روش‌های ویژه‌ای است که ادیب یا نویسنده علاوه بر شیوه‌های متداول در بقیه متون به‌کار می‌برد تا به زبان بعد ادبی و زیبایی بخشد. طبق گفته ویدوسون، این روش در سه الگوی ویژه طبقه‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: آوایی، دستوری و معنایی. مترجمان در برابر ویژگی‌های متنی زبان ادبی موظف هستند تا برای حفظ سبک نویسنده، این مورد را به‌همراه پیام متن به بهترین شکل انتقال دهند. به‌عبارت‌دیگر، ترجمه دارای دو بخش است: ۱. یافتن مفهوم و پیام متن اصلی و انتقال آن؛ ۲. یافتن سبک نویسنده و انتقال آن.

در قرن هفدهم که عصر ترجمه ادبیات یونانی به انگلیسی بود، ترجمه آزاد جایگاه ویژه‌ای یافت؛ البته شیوه ذکر شده نوعی تقلید از متن اصلی بود که جان درایدن^۱ (۱۶۸۰) در تقسیم‌بندی سه‌گانه‌اش از ترجمه معرفی می‌کند:

۱. ترجمه فراگویی^۲ یا تحت‌اللفظی که درمقابل هر کلمه یا عبارت، کلمه یا عبارتی ترجمه می‌شود؛

۲. دگرگفت^۳ که مترجم برای رساندن مفهوم، تفسیرهایی به آن می‌افزاید و با ترجمه وفادار یا معنی‌به‌معنی مطابقت دارد؛

۳. تقلید^۴ که مترجم در آن به کلمه و نیز به مفهوم وفادار نیست. این نوع ترجمه نوعی اقتباس به‌همراه حفظ روح کلی مطلب است (ماندی، ۲۰۰۴، ص. ۱۱۱).

نظریه پرداز بعدی، شلایرماخر^۵ آلمانی در قرن نوزدهم است که به وجود دو نوع مترجم اعتقاد دارد: مترجم تجاری و ادبی. مترجم ادبی از جایگاه والاتری برخوردار است؛ زیرا، باید خلاقیت و نبوغ لازم را داشته باشد تا به زبان روحی تازه ببخشد. او طرفدار رویکردی مبدأمدار است و فراتر از ترجمه‌های تحت‌اللفظی و آزاد می‌اندیشد. به‌نظر او، ترجمه باید طوری باشد که خواننده قدم‌به‌قدم به نویسنده نزدیک شود تا به کنه عقاید و ایده‌های او دست یابد (ماندی، ۲۰۰۴، صص. ۲۸-۲۷). از گفته‌های شلایر ماخر می‌توان استنباط کرد که با توجه به مبدأنگری وی، روش ترجمه او به روش تحت‌اللفظی نزدیک‌تر است تا روش آزاد.

کنفورد (۱۹۶۵، به‌نقل از لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص. ۷۲) نیز دو نوع ترجمه را معرفی می‌کند: ترجمه آزاد درمقابل ترجمه وابسته. بنابر تعریف وی از ترجمه، هرگاه فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ با توجه به کل محتوا و پیام بدون در نظر گرفتن مراتب مختلف واحدهای ساختمانی زبان مبدأ انجام گیرد، ترجمه آزاد نامیده می‌شود؛ اما اگر مترجم سعی کند مراتب مختلف زبان مبدأ را بدون تغییر به زبان مقصد انتقال دهد؛ یعنی جمله را به جمله و کلمه را به

1. Dryden
2. Meta phrase translation
3. Paraphrase
4. Imitation
5. Schleiermacher

کلمه برگرداند، چنین ترجمه‌ای وابسته نامیده می‌شود. اگر آزاد و وابسته دو قطب فرض شوند، ترجمه تحت‌اللفظی حد وسط این دو نوع ترجمه است.

نایدا (۱۹۶۴، صص. ۱۷۵-۱۶۵)، زبان‌شناس متأخر و سرپرست مؤسسه آمریکایی ترجمه کتاب مقدس، ترجمه را به دو گونه کاملاً متضاد صوری^۱ و پویا^۲ تقسیم می‌کند. در ترجمه صوری، مترجم به کلمه وفادار می‌ماند. در این نوع برگردان مترجم باید حداکثر تلاش خود را در جهت تطابق صوری انجام دهد. هر جزء در زبان مبدأ مطابق با جزء دستوری خودش در زبان مقصد جایگزین می‌شود و هیچ دخل و تصرفی نیز در ترجمه صورت نمی‌گیرد. در این ترجمه، پیام در برابر صورت رنگ می‌بازد. اینکه پیام برای خواننده قابل‌درک باشد، اهمیتی ندارد؛ بلکه وظیفه مترجم آن است که به صورت وفادار بماند. ترجمه پویا دقیقاً برعکس ترجمه صوری است. در این ترجمه، پیام و محتوا حرف آخر را می‌زنند و صورت نیز وسیله‌ای در خدمت مضمون است؛ بنابراین، برای انتقال پیام به خواننده می‌توان صورت را زیاد، کم یا حتی حذف کرد. زیربنای این ترجمه، اعتقاد به تناظرنداشتن صورت‌ها در زبان‌های مختلف است. از نظر او، ترجمه باید همان تأثیری را بر خواننده بگذارد که متن اصلی در مخاطب خود داشته است (نایدا، ۱۹۶۹، ص. ۲۰۲).

نیومارک (۱۹۸۱، ص. ۳۸) با طرح دو نوع ترجمه معنایی^۳ و ارتباطی^۴، بحث قدیمی ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد را به میان کشید و آن‌ها را با معیارهای دقیق زبان‌شناختی توضیح داد. او ترجمه را مانند خطی می‌داند که دارای دو قطب است: یکی خواننده و دیگری نویسنده. ترجمه معنایی به نفع نویسنده و ترجمه انتقالی به نفع خواننده است. ترجمه معنایی موجزتر از ترجمه ارتباطی است. او ترجمه معنایی را ویژه متون بیانی از جمله ادبیات می‌داند؛ حال آنکه ترجمه ارتباطی برای متون خطابی و اطلاعی مانند تبلیغات به‌کار می‌رود؛ زیرا، در سطح خواننده نوشته می‌شوند؛ البته نیومارک (نایدا، ۱۹۸۱، صص. ۴۴-۳۸) ترجمه تحت‌اللفظی را

-
1. Formal Correspondence
 2. Dynamic Equivalence
 3. Semantic translation
 4. Communicative translation

متفاوت از ترجمه معنایی می‌داند؛ زیرا، معتقد است ترجمه تحت‌اللفظی ترجمه کلمه‌به‌کلمه است؛ اما ترجمه معنایی با توجه به کل متن صورت می‌گیرد و به توضیح و تفسیر مسائل مختلف در متن از جمله استعارات می‌پردازد.

وینی و دار بلنه^۱ (۲۰۰۰، به نقل از ماندی، ۲۰۰۱، ص. ۵۶) دو نظریه پرداز فرانسوی هستند که در حوزه تحلیل ساختاری مقابله‌ای، بین زبانه‌های انگلیسی و فرانسه پژوهش می‌کردند. با وجود محدود بودن کار آن‌ها به دو زبان، محققان دیگر در زبان‌های مختلف نتیجه تحقیقشان را استفاده کردند. وینی و دار بلنه دو روش ترجمه مستقیم^۲ و غیرمستقیم یا تیره^۳ را پیشنهاد کردند که هر کدام مشتمل بر چندین روش دیگر است. روش مستقیم در واقع نوعی ترجمه تحت‌اللفظی است که شیوه‌های آن عبارت‌اند از: وام‌گیری^۴، ترجمه کلمه‌به‌کلمه^۵ و گرته-برداری^۶ (ماندی، ۲۰۰۴، ص. ۵۶). آن‌ها ترجمه لفظ‌به‌لفظ را روش مناسبی می‌دانند؛ زیرا، در این روش ساختار فدای متن نمی‌شود؛ اما گاهی این روش کارآمد نیست و ضرورت استفاده از روش غیرمستقیم مطرح می‌شود که تاحدی به ترجمه آزاد شباهت دارد. ترجمه غیرمستقیم خود به چهار نوع تقسیم می‌شود که شامل فرانهمش^۷، دگرگونی^۸، معادل‌یابی^۹ و انطباق^{۱۰} است (ماندی، ۲۰۰۴، صص. ۵۸-۵۷).

مدل ترجمه دیگر متعلق به جولین هاوس است. او دو نوع ترجمه آشکار^{۱۱} و نهان^{۱۲} را معرفی می‌کند. ترجمه آشکار نوعی ترجمه مبدأمدار است که به فرهنگ و ساخت متن اصلی وفادار می‌ماند. این ترجمه لفظ‌به‌لفظ باعث ورود ساختارها و ترکیبات بیگانه به متن می‌شود که

1. Vinay & Darbelnet
2. Direct translation
3. Oblique translation
4. Borrowing
5. Literal translation
6. Claque
7. Transposition
8. Modulation
9. Equivalence
10. Adaptation
11. Overt
12. Covert

با زبان خواننده نامأنوس است؛ اما در ترجمه نهان برخلاف شیوه قبلی نوعی بازآفرینی روی می‌دهد. در این روش، مترجم به‌سوی رویکردی مقصدمدار گام برمی‌دارد و ترجمه را به‌قالب و چارچوب زبان و فرهنگ مقصد درمی‌آورد تا مخاطب با تعبیرات و نحو آشنای زبان خود روبه‌رو گردد و عمل انتقال نیز راحت‌تر انجام شود (هاوس، ۱۹۷۷، ص. ۹۶-۶۶).

۳. پیشینه تحقیق

در ایران پژوهش‌های مختلفی انجام شده‌اند که به بررسی مقایسه تطبیقی دو یا چند ترجمه از یک اثر پرداخته‌اند. یکی از این پژوهش‌ها، تحقیق خزاعی فر (۱۳۸۴) است که به بررسی مقایسه‌ای دو ترجمه از یک اثر پرداخته است. مقایسه از دیدگاه زبان‌شناختی صورت گرفته است. نام رمان، *دُن آرام* اثر شولوخوف نویسنده روسی است که شاملو و به‌آذین آن را ترجمه کرده‌اند. خزاعی فر به اهمیت توجه به نشانه‌گذاری و علائم سجاوندی در متون نثر اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد در ترجمه شعر و به‌ویژه نثر به معنا و مفهوم موردنظر نویسنده از این علائم توجه کند و به‌تناسب، از آن‌ها در ترجمه استفاده کند.

توکلی (۱۳۸۷) پژوهشی را با عنوان «اصول و مبانی مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای به‌همراه مقایسه تطبیقی دو ترجمه از کتاب *توسعه به مثابه آزادی* اثر مارتیاسن» انجام داده است. مقایسه برپایه سه محور کلی «امانت در ترجمه»، «رسایی ترجمه» و «شیوایی ترجمه» صورت گرفته است. توکلی معتقد است که مترجمان به‌دلیل ناتوانی در ارائه ترجمه وفادار، رسا و شیوا به روش تحت‌اللفظی متوسل می‌شوند که این، سبب نارسایی و درک نادرست از ترجمه می‌گردد.

بررسی مقابله‌ای دو برگردان فارسی از رمان *مسخ* اثر کافکا تحقیق دیگری در این زمینه است که غفاری و شاه‌محمدی (۱۳۸۹) آن را انجام داده‌اند. نخستین بار صادق هدایت رمان *مسخ* را به فارسی برگرداند. فرزانه طاهری و امیرجلال اعلم دو مترجم دیگری هستند که این اثر را به فارسی ترجمه کردند. روش طاهری ترجمه معناگرا و روش اعلم لفظ‌گرا است. بعد از بررسی نمونه‌های ترجمه‌شده، مشخص شد که اعلم با استفاده از روش لفظ‌گرا توانسته است معادل‌های نزدیک‌تری برای متن اصلی بیابد که در جذب خواننده مؤثرتر بوده است. همچنین،

در ترجمه لفظگرا جملات ساده‌تر و کوتاه‌تر از ترجمه معناگرا هستند؛ بنا بر این نتایج می‌توان گفت روش تحت‌اللفظی برای ترجمه رمان مناسب‌تر از روش معناگرا یا آزاد است. حاجی‌نصرالله (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه یا تخریب»، به مقایسه دو ترجمه از یک داستان کودکانه^۱ اثر اریک کارل می‌پردازد و ترجمه‌ها را براساس ساختار و انتقال معنا مقایسه می‌کند. او به نقش تصویرهای کتاب اصلی در انتقال مفاهیم موردنظر نویسنده اشاره می‌کند و حذف آن‌ها را ازسوی مترجم ضربه‌ای به محتوای داستان می‌داند که با عنوان ترجمه انجام شده است.

پرورش (۱۳۸۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی ترجمه صفات به‌مثابه یکی از مشخصه‌های سبک تأثرگرایانه جوزف کنراد در دو ترجمه فارسی از رمان *دل تاریکی*» انجام داده است. وی در این تحقیق سبک کنراد را از لحاظ صفات با دو ترجمه فارسی از او مقایسه کرده تا شیوه‌های ترجمه مورد استفاده مترجمان را بررسی کند. براساس نتایج حاصل مشخص شد که پرکاربردترین راهکار؛ یعنی ترجمه تحت‌اللفظی بهترین راهکار نیز بوده است.

۴. روش تحقیق

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، هدف از این تحقیق مقایسه دو ترجمه متفاوت از رمان *A Thousand Splendid Suns* از دیدگاه خوانندگان است. معیار گزینش ترجمه‌ها نیز براساس نظریه نیومارک درباره دو روش ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد است. متون فارسی از ترجمه‌های مهدی غبرایی و نفیسه معتکف انتخاب شده‌اند. در بررسی مقابله‌ای که در ابتدای تحقیق صورت گرفت و در انتهای این بخش ذکر خواهد گردید، مشخص شد روش مترجم اول، تحت‌اللفظی و روش مترجم دوم، آزاد بوده است.

برای بررسی کارایی دو شیوه ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد پرسش‌نامه‌ای طراحی شد و در اختیار گروهی از خوانندگان قرار گرفت. این گروه شامل ۳۰ شرکت‌کننده بود که از میان

۱. کتاب *The Very Hungry Caterpillar* که با عنوان «کرم ابریشم بسیار گرسنه» و «کرم ابریشمی که سیر نمی‌شد»

ترجمه شده است.

دانشجویان ترم آخر مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه بیرجند انتخاب شدند. پرسشنامه حاوی ۸ جمله انگلیسی از کتاب اصلی است که با دو ترجمه برگرفته از این دو مترجم بدون ذکر نام آن‌ها آمده است. جملات با اهداف خاص ترجمه‌ای از جمله حذف و اضافه، کاربرد واژگانی متفاوت، نزدیکی به سبک نویسنده و ... انتخاب شده‌اند. دانشجویان پس از مطالعه جملات و مطابقت‌دادن آن‌ها با دو ترجمه بایستی به سؤالات ذیل پاسخ می‌دادند:

الف. کدام ترجمه بهتر است؟

ب. علت انتخاب را ذکر کنید. (پاسخ می‌تواند بیش از یک گزینه باشد).

۱. کاربرد واژگانی ۲. روانی ۳. دقت در ترجمه ۴. مبدأمحوری ۵. رعایت سبک

نویسنده

پ. به هر ترجمه چه امتیازی می‌دهید؟ (امتیاز بین ۱ تا ۱۰ بود).

۴. ۱. بررسی مقابله‌ای ترجمه‌ها با متن اصلی

عنوان کتاب: *A Thousand splendid suns*

۱. ترجمه مهدی غبرایی: هزار خورشید تابان

۲. ترجمه نفیسه معتکف: یک‌هزار خورشید با شکوه

عنوان کتاب در ترجمه اول تا حد امکان مختصر شده است. «تابان» معادل مستقیم واژه "Splendid" نیست؛ اما در ترجمه دوم، ذکر کلمه «یک‌هزار» غیرضروری و باعث اطناب در عنوان داستان می‌شود. همچنین، «باشکوه» معنای مستقیم و لغت‌نامه‌ای واژه "Splendid" است.

*It happened on a Thursday.

۱- م. غ.: پنج‌شنبه روزی بود.

۲- ن. م.: این اتفاق روز پنج‌شنبه افتاد.

*When Nana saw the bowl.

۱- م. غ.: ننه

۲- ن. م.: نانا

کلمه «نانا» که در ترجمه معتکف دقیقاً مطابق با رسم الخط انگلیسی اش ترجمه شده است، در زبان افغانی وجود ندارد و در واقع، همان واژه «نه» است. استفاده از علائم نوشتاری در ترجمه دوم دقیقاً مطابق با متن اصلی است که در تمام داستان مشاهده می‌شود. جملات طولانی و بی‌وقفه تأثیر ساختار زبان انگلیسی را بر ذهن مترجم نشان می‌دهند. در ترجمه اول، جملات کوتاه‌تر مطابق با ساختار زبان فارسی هستند که باعث روانی ترجمه می‌شوند و خواننده را در فهم بهتر مفاهیم یاری می‌رسانند.

۵. بررسی داده‌ها

پس از توزیع پرسش‌نامه میان گروه شرکت‌کننده، پاسخ‌های آنان استخراج و تحلیل شد. جدول ذیل نتایج حاصل از پرسش‌نامه را به تفکیک هر سؤال نشان می‌دهد. این پرسش‌نامه شامل ۸ جمله با دو نمونه ترجمه متفاوت بود که در قالب ۳ پرسش نظیر گزینش بهترین ترجمه، ذکر علت انتخاب ترجمه برتر از میان گزینه‌های داده‌شده و امتیازدهی بین ۱ تا ۱۰ به ترجمه‌ها بود.

جدول (۱) هشت ستون دارد که اولین ستون، هشت شماره دارد و مربوط به سؤال‌ها است. ستون بعدی مربوط به اولین پرسش است که از خوانندگان خواسته شد ترجمه برتر را انتخاب کنند. هر قسمت از این ستون خود شامل دو بخش با شماره‌های (۱) و (۲) است که ترجمه‌های اول و دوم را مشخص می‌کند. ترجمه شماره (۱) تحت‌اللفظی و ترجمه شماره (۲) آزاد است. فراوانی گزینش هر ترجمه به‌عنوان ترجمه برتر، با ذکر درصد بیان شده است. ستون بعدی مربوط به آخرین سؤال مبنی بر امتیازدهی به هر ترجمه بین ۱ تا ۱۰ است. مجموع نمرات داده‌شده به هر ترجمه، در ستون امتیاز مقابل ترجمه مربوط ذکر شده است. پنج ستون بعدی نیز شامل مؤلفه‌هایی است که خواننده در پرسش دوم برای علت انتخابش ذکر کرده است. انتخاب گزینه می‌توانست بیش از یک مورد باشد؛ بنابراین، مجموع نمرات در این بخش از صد بیشتر است.

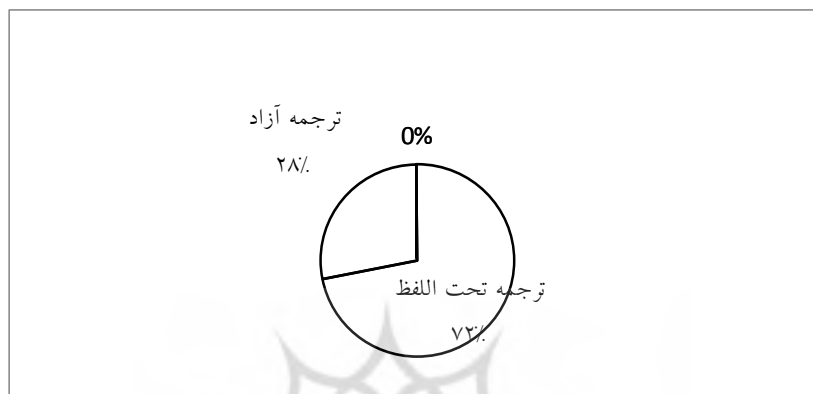
جدول ۱. آمار استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها درباره ترجمه ارجح از دیدگاه خوانندگان

شماره جمله	ترجمه‌ها	درصد انتخاب توسط خواننده		امتیاز	انتخاب واژگانی	روانی	دقت ترجمه	مبدأ محوری	رعایت سبک
		م.غ.	م.ن.						
۱	م.غ.	۷۳/۳۳٪	۲۳۰	۱۲/۶۶	۷/۳۳	۶	۵/۳۳	۶۶٪	
	م.ن.	۲۶/۶۶٪	۲۰۲						
۲	م.غ.	۷۳/۳۳٪	۲۳۷	۷/۳۳	۱۰	۶	۶/۶۶	۶۶٪	
	م.ن.	۲۶/۶۶٪	۱۸۱						
۳	م.غ.	۲۶/۶۶٪	۲۰۲	۵/۳۳	۵/۳۳	۸	۱۰	۱۰٪	۴
	م.ن.	۷۳/۳۳٪	۲۳۰						
۴	م.غ.	۹۶/۶۶٪	۲۵۲	۱۳/۳۳	۱۰	۲/۶۶	۶	۳۳٪	۱/۳۳
	م.ن.	۳/۳۳٪	۱۹۲						
۵	م.غ.	۷۶/۶۶٪	۲۳۸	۸/۶۶	۹/۳۳	۶	۶	۳۳٪	۱/۳۳
	م.ن.	۲۳/۳۳٪	۱۹۸						
۶	م.غ.	۴۶/۶۶٪	۲۲۹	۱۰	۹/۳۳	۶	۶	۳۳٪	۲
	م.ن.	۵۳/۳۳٪	۲۱۷						
۷	م.غ.	۸۶/۶۶٪	۲۳۷	۴	۴/۶۶	۱۴	۱۰	۳۳٪	۳/۳۳
	م.ن.	۱۳/۳۳٪	۲۰۷						
۸	م.غ.	۹۳/۳۳٪	۲۶۵	۱۲/۶۶	۹/۳۳	۶/۶۶	۴	۶۶٪	۶۶٪
	م.ن.	۶/۶۶٪	۱۹۰						
		جمع	۷۴	۶۵/۵	۶۵/۵	۵۵/۵	۵۴	۱۶	

در اولین پرسش طرح شده که مربوط به انتخاب ترجمه بهتر بود، شم زبانی خوانندگان اهمیت داشت. به عبارت دیگر، هر دانشجو با توجه به دانش زبانی‌اش و با نگاهی به دو ترجمه ذکر شده، مناسب‌ترین و بهترین ترجمه را انتخاب کرده است. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده شد، اکثر خوانندگان در ۸ مورد که هریک شامل نمونه اصلی متن به همراه دو برگردان از آن بود، ترجمه اول را انتخاب کردند. این ترجمه نزدیک به روش ترجمه تحت‌اللفظی بود و

به دلیل ساده‌نویسی و اختصارگویی، خوانندگان بیشتر از آن استقبال کردند. نمودار (۱) فراوانی مجموع انتخاب‌های خوانندگان را در ترجیح سبک ترجمه نشان می‌دهد:

نمودار ۱ - فراوانی گزینش ترجمه تحت اللفظی و آزاد از دیدگاه خوانندگان



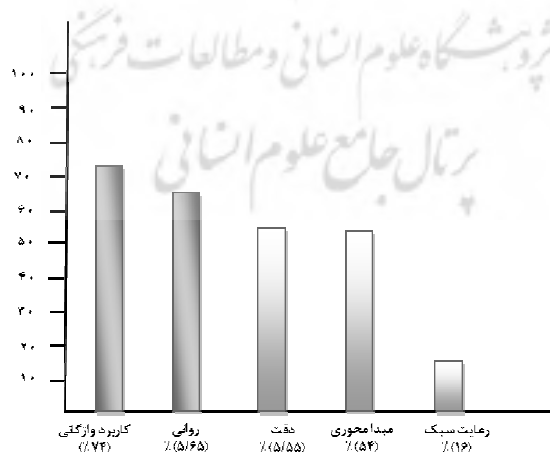
در پرسش بعدی که تخصصی‌تر از پرسش قبل است، از مخاطبان خواسته شد تا دلایل انتخابشان را ذکر کنند. گزینه‌های ذکر شده در این بخش، ۵ مورد شامل کاربرد واژگانی، نزدیکی به متن اصلی، روانی، دقت و رعایت سبک نویسنده بود. در این قسمت، به ترتیب کاربرد واژگانی با میانگین ۰/۷۴٪، روانی ۰/۶۵/۵٪، دقت ۰/۵۵/۵٪، نزدیکی به متن اصلی ۰/۵۴٪ و رعایت سبک نویسنده با میانگین ۰/۱۶٪ انتخاب شدند. از آنجایی که دانشجویان می‌توانستند بیش از یک گزینه را انتخاب کنند، مجموع درصدها از ۱۰۰ بیشتر است.

کاربرد واژگانی به میزان ۰/۷۴٪ که بیشترین امتیاز را از میان دیگر مؤلفه‌ها دارد، نشان می‌دهد مترجم ابتدا با استفاده از روش تحت‌اللفظی توانسته است با انتخاب صحیح کلمات و چیتش مناسب آن‌ها در کنار هم، ترجمه بهتری را ارائه دهد. از دیدگاه خوانندگان، روانی و شیوایی با ۰/۶۵/۵٪ در اولویت دوم است. این نتیجه حاکی از این است که روش تحت‌اللفظی در برگردان مطالب از زبان اصلی و انتقال آن‌ها به قالب زبانی که متناسب با زبان خوانندگان است، موفق‌تر عمل کرده است. دقت در ترجمه نیز سومین گزینه با فراوانی ۰/۵/۵٪ است که خوانندگان آن را انتخاب کردند. در طیف ترجمه، دقت مانند قطبی مقابل روانی قرار می‌گیرد. این گزینه بیانگر این است که مترجم در کمال تیزی معانی دقیق را از متن استخراج می‌کند و آن‌ها را بدون هیچ حذف و اضافه‌ای در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. گزینه بعدی با میزان ۰/۵۴٪ نزدیکی به متن اصلی است که از نظر مخاطبان اهمیت کمتری داشته است و نشان می‌دهد که استفاده از ترکیبات

آشنا و مأنوس زبان مقصد با استقبال بیشتری روبه‌رو بوده است. براساس گفته نایدا (۱۹۶۴)، بنا بر اصل تناظرنداشتن صورت‌ها در زبان‌های مختلف، ممکن است چیدمان صورت‌ها در یک زبان معنایی را منتقل کند که در زبان دیگر معنای متفاوتی داشته باشد یا قابل فهم نباشد (به‌نقل از صلح‌جو، ۱۳۲۳، ص. ۵۵).

رعایت سبک نویسنده یکی از مباحثی است که در ترجمه بسیار از آن بحث می‌شود. منظور از رعایت سبک حفظ مؤلفه‌هایی از جمله لحن و ساختار خاص یک اثر است که به نویسنده اثر اختصاص دارد و مترجم را موظف می‌کند تا به دلیل حفظ وفاداری به اثر، لحن و ساختاری را به‌کار برد که با سبک نویسنده مطابقت داشته باشد. گزینه آخر که رعایت سبک نویسنده بود، با میزان ۱۶٪، اختلاف امتیاز زیادی با دیگر گزینه‌ها داشت و این نشان می‌دهد که گزینه یادشده به‌اندازه دیگر گزینه‌ها از جمله کاربرد واژگانی یا روانی اولویت ندارد و خوانندگان کمتر به سبک نویسنده توجه می‌کنند. از این بحث می‌توان نتیجه گرفت مترجم باید قالبی را برای انتقال مفاهیم انتخاب کند که مناسب و قابل فهم باشد که به جذابیت متن در نزد مخاطبان منجر شود؛ هرچند این قالب با سبک نویسنده اصلی سازگاری بسیاری نداشته باشد. با این وجود، بازهم در رعایت سبک نویسنده، روش تحت‌اللفظی از ترجمه آزاد بیشتر مورد توجه بوده است و اکثر خوانندگان، ترجمه اول را که تحت‌اللفظی بود، نزدیک به سبک نویسنده دانسته‌اند. نمودار (۲) فراوانی اولویت‌های ترجمه را از دیدگاه خوانندگان جمع‌بندی می‌کند:

۲- فراوانی اولویت‌های ترجمه را از دیدگاه خوانندگان



۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقدمه نیز گفته شد، بحث بر سر ترجمه ساختار و مفهوم همواره دغدغه خاطر مترجمان از گذشته تا به امروز بوده است. تا آستانه قرن نوزدهم، ترجمه آزاد با استقبال بیشتری روبه‌رو بوده است؛ اما از آن به بعد، به دلیل مطرح‌شدن مسائل فرهنگی مبنی بر حل-ناشدنی بودن موانع زبانی، تاحدودی ترجمه را امکان‌ناپذیر می‌دانستند. در این شرایط، بهترین راه برای ازدست‌نرفتن مفهوم، تاحدامکان ترجمه تحت‌اللفظی بود (نیومارک، ۱۹۸۸، ص. ۷۵). از نظر نایدا (۱۹۷۴)، ترجمه هنگامی خوب است که در آن مترجم توانسته باشد برای متن نزدیک‌ترین و مصطلح‌ترین معادل در زبان مقصد را بیابد. در چنین برگردانی، نخست انتقال درست معنا مهم شمرده می‌شود و سپس، رعایت سبک (فرحزاد، ۱۳۸۹، ص. ۳). برای نمونه به ترجمه جمله انگلیسی زیر توجه کنید:

-He suffers from pneumonia.

- او از ذات‌الریه رنج می‌برد.

در این ترجمه شاید نزدیک‌ترین معادل را یافته باشیم؛ اما این جمله آنچنان در فارسی مصطلح نیست. ما غالباً همین مفهوم را با استفاده از معنای دیگری بیان می‌کنیم: اون مبتلا به ذات‌الریه است. به‌طور خلاصه، هرگاه مترجم نتواند شیوه بیان متن مبدأ را در ترجمه رعایت کند، بهتر است تنها به انتقال صحیح معنا اکتفا کند؛ نه آنکه معنا را فدای سبک کند.

با توجه به مطالب ذکرشده در بخش قبل، چند نتیجه استنباط می‌شود: اول اینکه حتی در بخش ترجمه ادبی که ساختار و سبک اهمیت زیبایی‌شناختی دارند، انتقال مفهوم در اولویت است. نکته دوم، برقراری تعادل میان روانی و دقت در ترجمه است. به عبارت دیگر، نایستی به بهانه قابل فهم بودن ترجمه از مسائل دیگر از جمله رعایت اختصار و وسواس در انتخاب واژگان که جزء اصل دقت در ترجمه هستند، صرف‌نظر کرد. نکته بعدی گزینش روشی است که بتواند این موارد را تأمین کند. علاوه بر این، اگر سبک نیز تاحدودی حفظ شود، ترجمه کامل‌تر خواهد بود.

با نگاهی به آمار حاصل از بررسی دو ترجمه به‌نظر می‌رسد که برگردان مهدی غبرایی در جذب مخاطب موفق‌تر بوده است. طبق بررسی مقابله‌ای اصل کتاب با ترجمه وی می‌توان فهمید که ترجمه او به ترجمه تحت‌اللفظی یا معنایی نزدیک‌تر است. در ترجمه او کمتر اثری از حذف و اضافه مشاهده می‌شود و واژگان نیز تقریباً با معادل‌های صحیح جایگزین شده‌اند. سبک نوشتاری نویسنده که ساده و رسمی است نیز در ترجمه او رعایت شده است. ترجمه غبرایی به دلیل نزدیک بودن به سبک نویسنده دارای جملات کوتاه و قابل فهم است که موجب خستگی و دلزدگی خوانندگان از خواندن ترجمه نمی‌شود. توضیحات اضافی درباره اصطلاحات خاص به صورت پاورقی در هر صفحه ذکر شده است که اطلاعات خوبی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در ترجمه نفیسه معتکف که به ترجمه آزاد یا انتقالی نزدیک است، در بیشتر موارد ترجمه طولانی از جملات اصلی است. مترجم سعی داشته است تا حد امکان با ذکر توضیح اضافی، ترجمه را برای مخاطبان قابل فهم کند که به دلیل درازگویی و اطناب برای اکثر خوانندگان جذاب نبوده است. همچنین، مترجم در گزینش اصطلاحات و معادل‌ها به اندازه مترجم اول موفق عمل نکرده است.

درانتها باید گفت نمی‌توان صرفاً به بهانه انتقال مفهوم، به‌طور آزادانه ترجمه کرد؛ به‌ویژه در متون ادبی که سبک نیز اهمیت دارد. به‌علاوه بایستی میان ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه لفظ‌به‌لفظ نیز تمایز قائل شد؛ زیرا، این دو کاملاً با هم متفاوت هستند. در ترجمه تحت‌اللفظی، واحد ترجمه، جمله است و کلمات با توجه به کل جمله ترجمه می‌شوند؛ حال آنکه در برگردان کلمه‌به‌کلمه، واحد ترجمه، لغت است و ممکن است معانی‌ای که برای کلمات انتخاب می‌شوند نیز صحیح نباشند؛ بنابراین، بهتر است با دید مثبت به ترجمه تحت‌اللفظی بنگریم؛ زیرا، از طریق آن می‌توان علاوه بر بیان مفهوم، سبک نوشته را نیز حفظ کرد و ترجمه بهتری را ارائه داد.

کتابنامه

پرورش، ش. (۱۳۸۷). بررسی ترجمه صفات به‌منابۀ یکی از مشخصه‌های سبک تأثرگرایانه جوزف کنراد در دو ترجمه فارسی از «دل تاریکی». پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، ایران.

توکلی، م. ج. (۱۳۸۷). اصول و مبانی مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای به همراه مقایسه تطبیقی دو ترجمه از کتاب توسعه به مثابه آزادی اثر آمارتیا سن. *دوفصلنامه تخصصی پژوهش مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی*، ۱(۱)، ۲۲۴-۱۶۵.

حاجی نصرالله، ش. (۱۳۷۹). ترجمه یا تخریب. *مجلات اطلاع رسانی و کتابداری - کتاب ماه کودک و نوجوان*، ۴(۴۱ و ۴۲)، ۶۸-۶۴.

حسینی، خ. (۱۳۸۸). هزار خورشید تابان، (م. غیرایی، مترجم). تهران: ثالث.

حسینی، خ. (۱۳۸۹). یک هزار خورشید باشکوه. (ن. معتکف، مترجم). تهران: نسل نو اندیش.

خزاعی فر، ع. (۱۳۸۴). نقد ترجمه دُن آرام. *مجله مترجم*، ۱۴(۴۱)، ۳۸-۳۳.

صفارزاده، ط. (۱۳۸۴). اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان. تهران: پارس کتاب.

صلح جو، ع. (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.

غفاری، م. ع.، و شاه محمدی، م. (۱۳۸۹). بررسی مقابله‌ای دو برگردان مسخ کافکا با رویکردی به نظریه روش-های ترجمه. *مجلات اطلاع رسانی و کتابداری - کتاب ماه کودک و نوجوان*، ۴(۴۱ و ۴۲)، ۱۰۱-۹۵.

فرحزاد، ف. (۱۳۸۹). *نخستین درس‌های ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۷۱). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Baker, M. (1997). *The Routledge encyclopedia of translation studies*. London and New York: Routledge.

Catford, J. C. (1965). *A linguistic theory of translation: An essay in applied linguistics*. Oxford: Oxford University Press.

House, J. (1997). *A model of translation quality assessment*. Tubingen: Gunter Narr.

Newmark, P. (1981). *Approaches to translation*. Oxford and New York: Pergamon.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. New York and London: Prentice - Hall.

Nida, E. A. (1964). *Toward a science of translating: With special reference to principles and procedures involved in Bible translating*. Leiden: E. J. Brill.

Nida, E. A., & Taber, C. (1969). *The theory and practice of translation*. Leiden: E. J. Brill.

Nida, E. A. (1974). *The theory and practice of translation*: United Bible Societies.